

## اندیشه‌ها و راهبردهای اعمالی امام خمینی (ره) در نظام بین‌الملل

علی‌اکبر جعفری<sup>۱</sup>  
وحید ذوالفقاری<sup>۲</sup>

**چکیده:** بی‌تردید نام امام خمینی (ره) بر تارک تاریخ معاصر جهان قرار گرفته است. ایشان احیاگر میراث عظیم اسلامی در جهان امروز است که با تغییر و ایجاد تحول در گفتمان حاکم، توانستند جهان را با یک فضای زیستمانی نوینی مأنوس کنند که مهم‌ترین خصیصه آن، تدبیر و اسلامیت است. در واقع، ایشان نگاه و نگرش انبساطی و انطباقی و نیز نحوه کنش و واکنش کاربردی و عملیاتی نسبت به دین را جایگزین نگاه سلبی و منفی به دین کرد. رهنامه امام خمینی برای این عمل، تلفیقی از رهیافت ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی بوده است. این رویکرد، نوعاً تجلی و تبلور نظریه "وحدت در عین کثرت" ساختار بین‌الملل می‌باشد که در آن تمامی روش‌های سازمانی و سیاسی، اقتصادی، انتفاعی، اجتماعی و اجماعی باید در راستای پایه ارزشی واحدی به نام اسلام قرار گیرند. با توجه به این ملاحظات، این پژوهش درصدد تبیین ظرفیت‌های فرصت‌ساز اعلانی و اعمالی امام خمینی (ره) برای نظام بین‌الملل و رویکرد ایشان برای کنش‌گری فعالانه در پهنه گیتی می‌باشد. مفروض نخست، دو عنصر؛ تجهیزشناختی و توان بسیج‌پذیری و بسیج‌گری و مفروض دوم، رهیافت آرمان‌گرایی واقع‌نگرانه امام (ره) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اسلام‌گرایی، آرمان‌گرایی واقع‌بین، امام خمینی (ره)، دولت اسلامی، نظام بین‌الملل.

۱. دکتر علی‌اکبر جعفری، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

A.Jafari@umz.ac.ir

۲. آقای وحید ذوالفقاری، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

## مقدمه

نگاه به جمهوری اسلامی به عنوان مولود عینی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، نگرش خرد و درونی است. اما پدیده انقلاب اسلامی فراتر از نظام و ساختار جمهوری اسلامی است و فاقد محدودیت‌ها و محذوریت‌هایی است که ممکن است یک ساختار سیاسی با آن مواجه باشد. اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی توانست با تکیه بر شعارهایی که مرزهای نژادی، طبقاتی و ملی را درنوردیده بود، به سمت تجربه عمیق‌تری از حیات انسان که در فطرت بشری ریشه دارد، حرکت نماید و گرایشی را در سطحی فراتر از تجربه‌های طبقاتی، نژادی و حتی ملی مطرح نماید. به عبارت دیگر، ماهیت اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی، به گفته جیمز روزنا<sup>۱</sup> "مرزگشا<sup>۲</sup> نه مرزافزا"<sup>۳</sup> می‌باشد. در واقع، حضرت امام (ره) پدیدآورنده گفتمانی از اسلام بود که با تمام بداعتش، در سنت دیرینه اسلام ریشه داشت. قرائت ساختارزدای وی از اسلام، چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که بازتاب تمامی دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش بود. در مرکز گفتمان حضرت امام، اسلام یک دین متعالی بود. غنای مفهومی و محتوای چنین دینی، تمامی فضاها و زوایای زیستمانی بشری را در بر گرفته و سیاست را نه جانشین، بلکه همنشین دیانت کرده است و یک سیر هم‌افزایی بین آن‌ها برقرار نموده که با سیمای عرفانی مزین شده بود و در نهایت، راهنمای عمل نشانده است (تاجیک، ۱۳۷۷: ۶۹). اصولاً جامعه‌شناسان، سه عامل اصلی را به عنوان عوامل مؤثر بر ظهور رهبر در جوامع گوناگون و گردآمدن توده‌ها بر گرد آن‌ها بیان می‌دارند که آن‌ها را تحت عناوینی چون: ظرفیت‌سازی و طرح ادعاها و تفکرات جدید از سوی رهبر، قرارگیری در جایگاه اپوزیسیون و هم‌چنین مقتضیات و موقعیت سیاسی-اجتماعی خاص که پذیرش ادعاهای جدید ارائه‌شده از سوی رهبر را امکان‌پذیر می‌سازد، دسته‌بندی می‌کنند (Tilly, 1979: 203). بنابراین، امام خمینی (ره) با مفصل‌بندی دال‌های شناور<sup>۴</sup> در نظام‌های معانی مختلف و قرار دادن اندیشه‌های اسلامی در حوزه گفتمانی، باعث هژمون‌شدن اندیشه‌های اسلامی به عنوان دال متعالی<sup>۵</sup> شده است. در واقع، اسلام‌گرایی به معنای نادیده انگاشتن و عدم توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه بین‌المللی نبود، بلکه جایگیر شدن این گفتمان در مرکز ثقل اصول و

1. James Rosenau
2. Deterritorialization
3. Demarcation
4. Floating Signifiers
5. Transcendental Signifier

آرمان‌های امام خمینی (ره)، آن را از پارادایم‌ها و فرا روایت‌های موجود در روابط بین‌الملل متمایز ساخت. امام (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، از دل ساختار قدرت مسلط پاتریمونالیستی، اسلام‌گرایی را مطرح نموده که با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و ساختار سیاسی، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی به عنوان عناصر ثبات‌بخش و قوام‌دهنده، در رأس سلسله‌مراتب کارکردی و رسالتی قرار گرفته است.

بنابراین، کاریزمای امام در بازگشت و بازگرداندن مردم به فطرتی بود که تحت تأثیر آموزه‌های روشنگری جدید غرب، در زیر انبوهی از مکاتب و گرایش‌های فکری، فرقه‌ای، ملی و نژادی رو به پنهانی و نسیان رفته بود (مسجدجامعی، ۱۳۷۸: ۳). در کنار این امر، انقلاب اسلامی هم که انسان‌ها را به طور کلی به سوی دین، معنویت و خداوند رهنمون می‌شود، دینی جهانشمول است که جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواهی دارد. موضوعی که میشل فوکو<sup>۱</sup> آن را "روح جهان بی‌روح" می‌نامد. انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی بود و از همین جهت شاهد احیای هویت مسلمانان در اقصی نقاط جهان هستیم و بیداری اسلامی در منطقه نویدبخش این بیداری و هویت‌یابی در سراسر جهان است. به دلیل قوه ژئواستراتژیک و ژئوایدئولوژیک انقلاب اسلامی و نیز وسعت قلمرو دربرگیری اسلام، شاهد نفوذ پیام انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در عرصه بین‌المللی نیز می‌باشیم (Hunter, 1992: 163). بنابراین، قلمرو مخاطبان انقلاب اسلامی، هم وجدان بیدار بشریت بود که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، به شدت از فاصله گرفتن معنویت و دین در رنج بود و هم جهان اسلام را در بر می‌گرفت که در چند قرن گذشته، حسرت دورانی را می‌خوردند که قافله‌سالار تمدن بشری بودند و نیز قلمرو جغرافیایی مشخصی به نام ایران را در بر می‌گرفت که از ظلم و ستم ناشی از استبداد پهلوی به تنگ آمده بود (تاجیک و درویشی، ۱۳۸۳: ۱۶۴-۱۶۳).

امام خمینی (ره) به عنوان شخصیت یکتای انقلاب اسلامی که به عنوان مرجع تقلید در رأس جایگاه دینی قرار داشت و از ویژگی‌های برجسته شخصیتی چون فرهنگی و رهبری در جریان انقلاب اسلامی برخوردار بوده است، با داعیه بر هم زدن قطب‌بندی حاکم بر نظام جهانی و ترسیم "راه سوم" فراسوی ملت‌های مظلوم و جنبش‌های آزادی‌بخش و نیز نمایان ساختن ماهیت امپریالیستی هر دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیستی برای مسلمانان جهان، در صدد ایفای نقش‌آفرینی به عنوان "ام‌القری" بر آمد (بهمنی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). امام در برابر اندیشه‌هایی که شعارهای نوگرایی، تحول‌پذیری، تجددطلبی، مطلق‌گرایی و ابطال‌پذیری را مطرح می‌ساختند و

مدرنیته و ساختار لیبرال دموکراتیک آن را فرجامین الگوی زیست‌مندی معرفی می‌کردند (Fukuyama, 1992)، مدل نوینی از نظام سیاسی مطرح ساخت که بنیان و ساختار اسلامی را به همراه داشت و پایه‌های ساختارهای مسلط بین‌الملل را تغییر داد. این امر منجر به روی کار آمدن نسل چهارم نظریه‌پردازان در عرصه بین‌الملل شد که بر عامل فرهنگی تمرکز نمودند و در برابر نسل سوم نظرورزان که نسلی ساختارگرا و جبری بود، قیام نمودند. بنابراین، امام خمینی (ره) به عنوان پرچم‌دار اسلام‌خواهی در عرصه بین‌الملل معرفی می‌شود و اندیشه‌هایش در عرصه جهانی، حکایت از ظهور و خیزش گفتمانی غیر از گفتمان‌های رایج داشته است؛ روایتی که برخی از نظریه‌پردازان از آن، به عنوان "خمینی‌گرایی" در عرصه بین‌الملل تفسیر می‌نمایند.

### چارچوب مفهومی

نظام و روابط بین‌الملل از مفاهیم پویایی است که از آغاز مصطلح شدن آن در معنای جدید خود، به اعتبار عناصر و نوع رابطه، دستخوش تغییرات زیادی شده است. به طوری که مفهوم آن در سال‌های اخیر با آنچه در قرن گذشته از آن مستفاد می‌شده است، تفاوت دارد. هر چند این واژه افزون بر کارگزاران دولتی، به نقش روزافزون سازمان‌ها و نهادهای غیرحکومتی در فرایند روابط بین‌الملل نیز اشاره دارد، اما بازیگر اصلی این عرصه، همچنان دولت‌ها و نهادهای رسمی حکومتی‌اند. بنابراین، سطح تحلیل و نقطه عزیمت بحث از نوع "خُرد" خواهد بود؛ زیرا بر رفتار بازیگران متمرکز شده است (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۳). بنابراین، نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از بازیگران بین‌المللی متعامل می‌باشد که الگوهای رفتاری خاصی (که از قواعد مشخص پیروی می‌کنند) بر آن‌ها حاکم است. نظام بین‌الملل از یک طرف چیزی جز واحدهای تشکیل‌دهنده آن نیست، ولی از طرف دیگر، مجموعه واحدی است که هویت، ماهیت و کارکردی متمایز و فراتر از واحدهای خود دارد. آنچه که نظام بین‌الملل را از واحدهای تشکیل‌دهنده آن متمایز می‌کند و تصور آن را به صورت یک کل واحد ممکن می‌نماید، ساختار آن است. جزء دیگر نظام بین‌الملل، فرایندی است که در شکل‌گیری رفتار و کارکرد مستقل آن و تأثیرگذاری بر رفتار کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بنابراین، با توجه به این که نظام بین‌الملل تحت تأثیر مهم‌ترین کارگزار خویش یعنی انسان‌ها، در قالب بازیگران دولتی و غیردولتی قرار دارد و نیز با عنایت به این که اقدامات و جهت‌گیری‌های آن‌ها منطبق با معیارهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی می‌باشد یا نه، روابط میان این بازیگران، روابطی دوستانه و مسالمت‌آمیز و یا خصمانه و تعارض‌آمیز توصیف می‌شود. رئالیست‌ها که برداشت بدبینانه‌ای از طبیعت جوامع انسانی

دارند، نظام بین‌الملل را صرفاً صحنه تضاد منافع و تعارض خواسته‌ها و مبارزه دائمی واحدهای سیاسی برای کسب قدرت بیشتر و حفظ آن به هر طریق ممکن می‌دانند. در حقیقت، واقع‌گرایی بر این باور است که دولت تنها بازیگر در ساختار بین‌الملل می‌باشد و دیگر بازیگران غیردولتی در چارچوب روابط میان دولت‌ها عمل می‌نمایند. برحسب این عوامل، دولت‌ها در شرایط آنارشی به سر می‌برند و نیز رقابت و کشمکش در این رویکرد، به عنوان امری بدیهی شناخته شده است و تلاش برای کسب قدرت، برترین هدف فرا روایت واقع‌گرایی است (قوام، ۱۳۸۴: ۶۱-۲۵۸). از نگاه رئالیستی، سرشت بشر ذاتاً کمال‌ناپذیر است. بدین سبب، دولت‌مردان موظف هستند برای ممانعت از اختلاف و کشمکش و یا تقلیل منازعات، به اصل "موازنه قدرت" پناه ببرند. با توجه به ملاحظات مذکور، اصول واقع‌گرایی را می‌توان از جمله، دولت محوری،<sup>۱</sup> قدرت محوری،<sup>۲</sup> موازنه قوا، عقلانیت<sup>۳</sup> و روند تکاملی ضد انقلابی<sup>۴</sup> برشمرد. در نهایت، این رویکرد، نوعی "سیاست منازعه"<sup>۵</sup> می‌باشد. در برابر فرا روایت رئالیستی با نگاه بدبینانه، فرا روایت ایدئالیستی با نگاه متراکبی و مترادفی قرار دارد. این رویکرد، سیاست همکاری و یک‌پارچگی<sup>۶</sup> را پیشه خود ساخته است. به واقع، آرمان‌گرایان هر نوع تلاش خشونت‌آمیز و زور جهت پیشبرد مقاصد سیاسی را عملی مذموم و گناه‌آلود ارزیابی کرده برای جلوگیری از جنگ و برقراری صلحی پایدار، تقویت حقوق و تحکیم سازمان‌های بین‌المللی را پیشنهاد می‌نمایند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۰). جامعه‌ای که آرمان‌گرایان در نظر دارند، جامعه‌ای است که در آن با توجه به مبانی ارزشی اخلاقی، قوانین مناسب برای تنظیم روابط وضع می‌شود. قوانینی که حقوق مشروع هیچ‌کسی نادیده گرفته نمی‌شود. هیچ عضو جامعه جهانی نگران نخواهد بود که مورد تهاجم قرار گیرد و یا منافع مشروعش قربانی مطامع و منافع دیگران گردد. بدون تردید، با نبود این نگرانی، احساس امنیت خواهد کرد (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۴۹). در کنار این دو فرا روایت، فرا روایت دیگری به نام "نگرش اسلامی" توسط امام خمینی(ره) در عرصه بین‌الملل مطرح شد که در منطق ساختار بین‌الملل تشکیک کرد و گفتمان نوینی با مبانی اسلامی و ارزشی مطرح نمود. به عبارت دیگر، نگرش اسلامی و ارزشی به نظام بین‌الملل، متأثر از نوع نگاه به ماهیت انسان و غایات وجودی او بود. در قاموس اسلامی آنچه اصالت دارد، ارزش‌ها و سجایای معنوی

- 
- 1 . Statism
  - 2 . Power Oriented
  3. Rationality
  - 4 . Anti Revolutionary Evolution Approach
  - 5 . Confliction Policy
  - 6 . Cooperation and Integration Policy

است. از این رو حرکت تکاملی انسان و جامعه بشری را به سمت ثبات، صلح و عدالت می‌رانند. مشخصه بارز این رهیافت که سرشت انسان‌ها را به عنوان کارگزاران صحنه روابط بین‌الملل، آمیخته از نیروهای متمایل به خیر و نیکی و پستی و شرارت می‌داند، ارائه الگویی است که در آن تلفیقی از دو حالت واگرایی و همگرایی، ترداد و تضاد، تنازع و تراکب، انبساط و انقباض، اساس روابط میان واحدهای سیاسی را تشکیل می‌دهد. طرح این الگو از سوی رهیافت اسلامی سبب می‌شود که ضمن دور بودن از افراط و تفریط موجود در دو رهیافت قبلی، روابط بین‌الملل را براساس واقع‌نگری و جامع‌نگری ویژه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

به واقع، رهیافتی که با انقلاب اسلامی و تفکرات امام خمینی(ره) مطرح شده است، به دلیل محتوا و مفادش مانند تأکید بر نقش دین، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه همه‌جانبه، یک نمونه منحصر به فرد در میان ایدئولوژی‌های انقلابی و به عنوان بدیل برای رهیافت‌های مسلط بر عرصه بین‌الملل است. به همین دلیل از جذابیت ویژه به‌خصوص در میان مسلمانان جهان برخوردار شده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

بنابراین، از آنجا که رهیافت اسلام‌گرایی خصلتی جهانشمول و مرزگشا برای خودش تعریف نموده است و نیز از آنجا که جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواه دارد، رسالت این رهیافت اسلامی و اهداف فراملی و فراسرزمینی منتج از آن هم مبتنی بر هدایت و سعادت کل بشری می‌باشد (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۵) سرانجام، با طرح نظریه اسلام‌گرایی و حکومت اسلامی و نیز رهیافت انقلاب اسلامی، یک پادگفتمان در برابر گفتمان‌های مسلط در عرصه جهانی ایجاد شد که در بنیان گفتمان‌های دیگر لرزه افکنده و نگاه‌ها را به سمت خودش جلب نموده و رهاوردش، گسترده شدن قلمرو مخاطبین و قائلین به این دیدگاه بوده است.

### غایت‌مندی تاریخی در اندیشه امام خمینی(ره)

ترسیم اهداف و آرمان‌های اسلامی و ارزشی و کاربردی کردن آن در عرصه عمل، از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی(ره) بوده است. غایت‌مندی و طراحی اهداف مرزگشا برای انقلاب اسلامی نیز از کاربردی‌ترین اقدامات رهبر کبیر انقلاب بوده است. این نوع اهداف تعریفی و ترسیمی که به عنوان قدرت نرم انقلاب اسلامی مطرح شده است، درصدد ایجاد و استقرار حکومت اسلامی بود. بنابراین، نظرات و اندیشه‌های امام خمینی(ره) را می‌توان به دو دسته؛ اهداف ملی و مادی و فرامادی و اسلامی دسته‌بندی نمود.

### اهداف ملی و مادی

یکی از اهداف اولیه و بدیهی امام(ره) و اندیشه‌های اسلامی، صیانت و حفاظت از خود در رابطه و رقابت با بازیگران بین‌المللی می‌باشد. این هدف به عنوان یک طرح سرزمینی<sup>۱</sup> و درون‌نگر<sup>۲</sup> و خودنگر می‌باشد. این امر درصدد پیگیری و افزایش ارزش‌ها و سرمایه‌های ملی در مناسبات با دیگر کشورها می‌باشد. این دسته اهداف را می‌توان به گونه‌ای فهرست‌وار احصا نمود که عبارتند از:

- حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور<sup>۳</sup>
- حفظ تمامیت ارضی<sup>۴</sup>
- حفظ حاکمیت ملی و استقلال<sup>۵</sup>
- حفظ نظام جمهوری اسلامی<sup>۶</sup>
- صیانت از هویت ملت ایران<sup>۷</sup>
- کسب اعتبار بین‌المللی<sup>۸</sup>

اهداف مادی یا ملی که امام خمینی(ره) طرح‌ریزی نموده بود، بیشتر درصدد حفظ امنیت و تمامیت کشور و بقای ساختار نظام سیاسی ایران بوده است. اگرچه اهداف و آرمان‌های مطروحه ماهیتی فراسرزمینی داشته است اما، امنیت و حفظ ایران را به مثابه صیانت از اسلام می‌داند. بنابراین، با تعمق در اندیشه‌ها و تفکرات حضرت امام (ره)، می‌توان حفظ حیات مردم و ملت ایران و بقای ساختار و نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان مهم‌ترین اهداف ملی و امنیتی و مادی تلقی نمود.

### اهداف فرا مادی یا اسلامی

در نگاه امام خمینی(ره)، این اهداف بیشتر بُعد ایدئولوژیک و فرهنگی انقلاب اسلامی را مد نظر دارد. ایشان با مطرح نمودن اهداف فرامادی، خواهان سامان‌دهی به یک جهان‌زیست مناسب و مطلوب بین‌المللی برای اسلام و ایران بود. به واقع، هدف امام(ره)، تأکید بر ترویج و تبلیغ مبانی ارزشی انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی بوده است. این

- 
1. Territorial
  2. Internal
  3. Preservation of National Security and Country Existence
  4. Preservation of Territorial Integrity
  5. Preservation of National Sovereignty and Independence
  6. Preservation of Islamic Republic System
  7. Preservation of National Identity
  8. Achievement of International Reliability

اهداف که در جایگاه بالای سلسله مراتب و زنجیره ارزشی اسلام و انقلاب قرار داشته است، عبارتند از:

حفظ کیان اسلام؛ صدور انقلاب اسلامی؛ تأمین سعادت بشری؛ ایجاد جامعه واحد جهانی (امت).

اهداف فرا ملی تلاش داشته تا از منظری برون گفتمانی به متغیرهای محیطی خود بپردازد. این دسته از اهداف با نگاه راهبردی، درصدد نیل به اهداف استراتژیک و بلندمدت می‌باشد. به واقع، شالوده‌شکنی نظم و وضع موجود جهانی، کفرستیزی و محو نظام‌های مستکبر و الحادی در سطح بین‌الملل، ابتناء سیاست خارجی بر هنجارها و ارزش‌ها، ضرورت صدور انقلاب اسلامی و حمایت از نهضت‌های ضدامپریالیستی جهان و جایگزین کردن واحد "امت" به جای "دولت-ملت" (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۸۸) در رأس اولویت‌ها و اهداف فراوستفالیایی و فراسرزمینی امام خمینی (ره) بوده است.

غایت‌مندی در اندیشه امام خمینی (ره) مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌باشد. ایشان با استقلال از مکاتب فکری دیگر، گفتمان اسلامی را با خودآگاهی مردم و بسیج‌پذیری مردم در راستای آموزه‌های اسلامی مطرح نموده است. در واقع، خود اتکابی و استقلال‌طلبی و بیداری اسلامی، در صدر اولویت‌های ایشان قرار داشته است. بدین سبب، سیاست بدیلی با عنوان "نه شرقی و نه غربی" را مطرح نموده است.

در واقع، سیاست "نه شرقی نه غربی" و ارائه راه سوم و بدیل از سوی امام(ره) برای انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی، تضمین استقلال ایران بود. حضرت امام شرط استقلال ایران را "استقلال فکری" دانست که برای این لازم است که "از آن‌ها (خارجی‌ها) خوب‌هایش را یاد بگیریم و بدهایش را الغا کنیم". امام(ره) هدف از سیاست نه شرقی نه غربی را به معنای رابطه نداشتن با دیگران ندانست، چرا که نداشتن رابطه با دیگر دولت‌ها را "هیچ عقل و هیچ انسانی نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است". همچنین، اعلام نمود: "ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد، ایران امروز نمی‌تواند این طور باشد، بلکه کشورهای دیگر هم نمی‌توانند این‌طور باشند که در یک جا بنشینند و مرز‌هایشان را ببندند، این غیرمعقول است، امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است وقتی دنیا وضعش این طور است ما نباید منعزل باشیم" (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۹، ۲۴۸-۲۴۲).

در این رویکرد، ایدئولوژی بر ژئواستراتژی اولویت دارد و اصولی چون عدالت‌جویی و اخلاق‌گرایی معیار رفتار سیاست‌گذاران و مجریان در انقلاب اسلامی تلقی می‌شوند. در واقع، از نظر امام خمینی (ره)، عمل به تکالیف الهی، غایت مطلوب است و تأمین منافع ملی با عمل به تکلیف انجام می‌گیرد. سیاست نه شرقی نه غربی "بیانگر



این است که روش و شیوه ما در سیاست خارجی نه به صورت روش شرقی است و نه غربی‌ها، ما نه با آمریکا کار داریم و نه با شوروی، ما خودمان هستیم، ما می‌خواهیم مستقل باشیم، ما می‌خواهیم تحت قیمومت هیچ دولتی نباشیم، ما روابط بین‌ارباب و رعیت و وابستگی را نمی‌خواهیم، زیرا که وابستگی به هر شکل سیاسی و اقتصادی‌اش، جلوه‌ای از عدم استقلال است" (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۸، ۲۲۰).

بنابراین، با توجه به ویژگی‌های سیاست نه شرقی نه غربی یعنی استکبارستیزی، حمایت از کشورهای درحال توسعه، وحدت اسلامی و به ویژه قابلیت تنازعی و چالش اسلامی نوع شیعی آن با غرب، این سیاست را باید متضمن اعلام مبارزه مستمر و پایان‌ناپذیر با کشورهای تکاثرطلب غربی و طرفداران بزرگ و کوچک آن‌ها تلقی کرد (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۹). در نهایت این که، هدف از شعار نه شرقی نه غربی، نفی سلطه بیگانه است، نه گسستن رشته ارتباط با دیگر کشورها، امروز نفی مناسبات سیاسی با کشورها به معنی نفی هویت کشور است (Ramezani, 1987: 88, 432-436). با توجه به این سیاست و رویکرد و با توجه به اهداف و آرمان‌های ملی و فراملی، با قدرت نرم‌افزاری می‌توان به این اهداف رسید. به عبارت دیگر، برای مانایی و بقا در عرصه بین‌المللی باید از قدرت نرم انقلاب اسلامی در راستای نیل به اهداف استفاده نمود. بنابراین، قدرت نرم انقلاب اسلامی را می‌توان از میان اندیشه‌های امام خمینی (ره) این‌گونه دسته‌بندی نمود.

#### ۱. ایجاد و استقرار حکومت اسلامی

ایجاد و استقرار حکومت اسلامی هدفی بود که مردم ایران طی سال‌های متمادی، تشکیل آن را در سر می‌پروراندند. این هدف خواهان برپایی حکومت دینی می‌باشد که در آن قرائت اصیل از اسلام صورت بگیرد و جامعه عدالت‌محور اسلامی محقق شود.

**الف) قرائت اصیل از اسلام و برقراری حاکمیت الهی:** احیای مفاهیم، نصوص و ارزش‌های فراموش‌شده اسلامی از ابتکارات عظیم امام خمینی (ره) بود. در حالی که سایه استعمار و خودباختگی و فتور مسلمانان سبب شده بود بسیاری از مفاهیم و اصول سیاسی-اجتماعی اسلام مغفول بماند و یا از آن‌ها تفسیر قرون وسطایی و ناکارآمد صورت پذیرد، امام (ره) غبار فراموشی و نسیان را از چهره اسلام زدود و براساس آن قرائت اصیل مبتنی بر ایجاد و استقرار حکومت عدل اسلامی و حاکمیت الهی ارائه نمود. حضرت امام با هدف برپایی و تحقق حاکمیت الهی، تحقق آرمان‌های الهی را وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد مکتبی و اتصال جامعه بشری به تعالی انسان تلقی کرد. ایشان در دو بُعد نظری (تئوری و سوژکتیو) و عملی (کاربردی و ابژکتیو) این آرمان را پیگیری

نمود. در بُعد نظری، با طرح نظریه حاکمیت الهی و در وجه عملی و کاربردی با مبارزه با رژیم وابسته شاهنشاهی به این امر پرداخت.

**ب) تشکیل جامعه اسلامی:** برپایی جامعه عدل اسلامی، یکی از آرمان‌های مردم در جریان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. امام خمینی(ره) تشکیل حکومت اسلامی را به دلیل حفاظت از جامعه اسلامی، ضروری تلقی می‌کرد. بدین ترتیب، هدف و ماهیت مبارزات امام(ره) و مردم در جریان انقلاب اسلامی، ایجاد نظامی شد که در آن عدالت اجتماعی و احکام اسلامی در جامعه اجرا گردد. بنابراین، رویگردانی و عدول از ساخت‌ها و کارکردهای چنین جامعه‌ای می‌تواند نقش منفی و باز دارنده ایفا نماید.

## ۲. استقلال و نفی وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر

نفی سلطه در داخل مترادف نفی استبداد و در خارج مساوی با نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و رهایی از سیاست‌ها و اهداف استعمارگرانه آن‌ها بود. برای کسب استقلال، باید از لحاظ فکری و اندیشیدن مستقل بود. استقلال و عدم وابستگی، از موضوعاتی است که می‌تواند در راستای قدرتمندی به کار گرفته شود.

**الف) نفی سلطه‌گری در داخل:** امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب، از جمله راهکارهای مستخرج از آموزه‌های دینی را مواجهه با سلطه‌جویی مستکبرین و قیام و ایستادگی در برابر ظلم و ستم دانست. ایشان، با توسل به "اصل توحید" بر این باور بود که "انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم شود و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر این که اطاعت او اطاعت خداوند باشد" (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۴: ۱۶۶). بر این اساس، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح شد.

**ب) نفی سلطه‌پذیری در خارج:** تشکیل حکومت مبتنی بر قواعد و قوانین اسلامی و استقلال واقعی از بیگانگان سهم والایی در اظهارات ایشان داشت. امام(ره) با تأکید بر استقلال سیاسی<sup>۱</sup> به معنای اراده آزاد تصمیم‌گیری ملت برای تعیین سرنوشت خود و عدم سلطه یا دخالت اجانب در سرنوشت مردم معتقد بود که از نظر عقلی نمی‌توان برای حیات زیر سلطه دیگران، ارزشی قائل شد، چرا که "ارزش حیات به آزادی و استقلال است" (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۴: ۱۱۴).

### استراتژی اِعمالی حداکثری در نگاه امام خمینی (ره)

ترسیم و طرح‌ریزی راهبردهای امام (ره) برای انقلاب اسلامی، جزو اهمّ مسائل برای ملل از خود بیگانه بوده است. ایشان بر این باور بوده است که باید یک نگاه و رویکرد کارکردی برای اندیشه‌های اسلامی در عرصه بین‌المللی در نظر گرفت. کاربردی شدن و عملیاتی شدن این امر، در ظلّ خودآگاهی و بیداری ملل تحت ستم حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، در سایه ادراک و فهم ساختارهای سیاسی ظلم‌پذیر می‌توان به جریان یافتن اندیشه‌های اسلام انقلابی امید داشت. بنابراین، با عنایت به این موضوع، راهبردهای فرصت‌ساز و تهدیدسوزی که حضرت امام (ره) برای انقلاب اسلامی برای کاربردی کردن در عرصه بین‌المللی تجویز می‌کند، عبارتند از:

**الف) نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری با غرب:** در بیان این اهداف، امام خمینی (ره) می‌فرماید: "ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب در دو کلمه "لا تظلمون و لا تظلمون" خلاصه می‌شود". ایشان بیان می‌دارد که زیر بار سلطه نرفتن، متضمن و مستلزم عدم وابستگی به ساختارهای قدرت سلطه‌گر و نیز عدم تعهد به قدرت‌های مستبد می‌باشد. در بیان این اصل می‌فرماید: "مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدا برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۶۸-۳۶). بنابراین، مهم‌ترین هدف از نفی و نهی دائمی و همیشگی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان می‌باشد.

**ب) ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی:** یکی از اهداف انقلاب اسلامی که مستنبط از احکام اسلامی است، نفی نظام سلطه و اتخاذ استراتژی طرد و انقباضی در برابر استعمار و استکبار و ترویج عدالت‌خواهی در سراسر جهان می‌باشد. این امر را می‌توان از ماهیت فراملیتی و فراسرزمینی انقلاب اسلامی هم پیجویی کرد که درصدد ترویج و صدور ارزش‌های عدالت‌خواهی و سلطه‌ستیزی می‌باشد. همچنان که امام خمینی (ره) می‌فرماید: "تکلیف ما این است که با ظلم مبارزه کنیم" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۹۳-۹۲).

**پ) حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش:** این اصل در واقع مکمل اصل استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی است؛ چرا که ارتباط کارکردی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد. به عبارت دیگر، شیوه‌های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملل هستند، دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول ناآگاهی از یک طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر می‌باشد (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

همان‌گونه که امام خمینی(ره) فرموده‌اند، ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کسی در هر قطبی مظلوم باشد، طرفدار آن هستیم.

**ت) حمایت و دفاع از مسلمانان:** از دید امام(ره) دفاع از مسلمانان در هر نقطه دنیا، یک تکلیف است. در واقع، از نگاه امام خمینی(ره) حمایت از مسلمانان به عنوان یک ارزش دینی و اسلامی باید در سرلوحه کارها قرار گیرد و به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان مطرح باشد. اما این حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان می‌تواند در چند سطح عملی شود: نخست، در سطح امت و جهان اسلام که به صورت پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی می‌باشد. دوم، پشتیبانی از مسلمانان که در حال مبارزه با ساختار سلطه هستند و سوم؛ دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی می‌باشد.

**ث) همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی:** امام خمینی(ره) در کلیه مسائل، مشکلات و چالش‌ها، قانون را سرلوحه کارها قرار می‌داد و بر این باور بود که طبق قانون، همه باید در صلح باشند. به عبارت دیگر، عدم تجاوز و توسعه‌طلبی از اصول مورد نظر ایشان برای مقابله با مسائل بود و می‌فرمود: " آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است " (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۱، ۲۶۶-۲۶۵).

**ج) عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل:** از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، عدم دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است. به گونه‌ای که امام(ره) می‌فرماید: " دولت اسلامی با همه ملت‌ها و با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آن‌ها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند " (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۸، ۱۸). راهبردی که امام خمینی(ره) در عرصه نظام بین‌الملل در پیش گرفته بود، حکایت از نوعی "آرمان‌گرایی واقع‌بینانه"<sup>۱</sup> داشت، این الگو، ضمن تأکید بر صلح‌گرایی نهادینه، بهره‌گیری از قدرت در راستای منافع بشریت را مورد تأکید قرار می‌دهد. رهنامه ایشان را می‌توان به نوعی تجلی‌بخش نظریه وحدت در عین کثرت دانست که روش و شیوه‌های مختلف و متعدد، در راستای ارزشی واحد به نام اسلام قرار می‌گیرند و اخلاق‌گرایی و قانون‌گرایی نیز در راستای قدرت و منافع ملی و اسلامی واقع می‌شود (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۳۶). رویکرد امام بر همکنشی دولت‌ملت و نظام بین‌المللی تأکید دارد و بر انگاره‌هایی همچون؛ تلفیق ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی، پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی، استراتژی

دفع و جذب، شیوه‌ای مترابلی و متنازعی، اهداف ملی و فراملی، قدرت معنوی و مادی و امتزاج حقیقت و واقعیت استوار است.

### چشم‌انداز تفکرات امام خمینی(ره) در قلمرو اندیشه و عمل

امام خمینی (ره) با وجود سیطره تمدن غرب و شیفتگی بسیار به زرق و برق آن، راه جدیدی را برای انسان امروز ارائه کرده است و سنتی نو و مکتبی اصیل برای احیای ارزش‌ها و اصول اسلامی در جهان ارائه کرده است. رشد سریع تفکرات الحادی، خداگریزی و انسان‌محوری و گرایش برخی کشورهای جهان به نظام فکری-سیاسی سکولار و افیون دانستن دین و مذهب، بسیاری از صاحب‌نظران را به این باور رسانید که سرنوشت محتوم همه ادیان، انزوا و اضمحلال کامل می‌باشد. اما انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، نه تنها توانست گفتمان دینی در ایران را تغییر دهد، بلکه شرایط جدیدی را به وجود آورد که حاکی از ورود جهان به دوره‌ای متفاوت از ادوار گذشته و عصری با ویژگی‌های ممتاز دینی و معنوی است. اندیشمند فرانسوی "میشل فوکو" در مورد انقلاب ایران و چگونگی رخداد آن، این‌گونه می‌گوید: "تشیع دقیقاً شکلی از اسلام است که با تعالیم و محتوای باطنی خود، میان اطاعت بیرونی و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می‌شود. وقتی می‌گوییم که آنان از طریق اسلام در جستجوی تغییری در ذهنیت خویش‌اند، این گفته با این واقعیت که روش سنتی اسلامی از پیش حضور داشته و به آنان هویت می‌داده است کاملاً سازگار است. در این شیوه که آنان مذهب اسلام را به منزله نیروی انقلابی تلقی می‌کنند، اراده‌ای فراتر از اطاعتی وفادارانه‌تر از قانون شرع وجود داشت؛ یعنی اراده به تغییر کل هستی‌شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می‌کنند در قلب اسلام می‌یابند. بنابراین، امام خمینی(ره) در زمانه‌ای که دین افیون مردم تلقی می‌شد، آن را به روح جهان بدون روح تبدیل نمود" (فوکو، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۱) امام خمینی(ره)، معادله دنیا را که بر گفتمان مونولوگ و واحد استوار بود، به هم زد و با طرح حیات معنوی و باطنی برای بشریت و ارائه مدل دقیق و کارآمد حکومت اسلامی، عملاً به قول "هربرت مارکوزه"<sup>۱</sup> انسان تک‌ساحتی و حیات تک‌ساختی و تک‌بعدی غرب را به چالش کشید و اعلام کرد که فضای غیرمعنوی غرب نمی‌تواند برای همیشه ماندگار و جاویدان باشد و بشر غربی روزی از زندگی در فضای مادی خسته می‌شود و ناگزیر دوباره به معنویت روی می‌آورد. از نگاه امام خمینی(ره) بشر امروز به دوران جدایی مادیت از معنویت پایان بخشیده است. چشم‌انداز اندیشه‌های

امام تنها در بُعد نظری و تئوریک محصور نمانده است، بلکه در حوزه عمل هم شاهد اثرات واضح اندیشه‌های امام هستیم. امام خمینی(ره) جسارت و شهامت انتقادکردن در برابر قدرت‌ها را به دیگر رهبران جهان و دیگر کشورها انتقال داد و عملکرد نظام بین‌المللی را به زیر سؤال برد. در واقع، چشم‌اندازهای تفکرات امام را می‌توان این‌گونه احصا نمود:

- وحدت کشورهای اسلامی و آزادی خواه

- اصلاح عملی نظم دو قطبی

- نقادی ساختار نظام بین‌الملل توسط کشورها

- اصلاح تصور جهانی از ابرقدرت‌ها.

در منظومه فکری امام(ره)، چشم‌انداز تشکیل امت واحده جهانی و جهانی‌شدن حاکمیت اسلام، ظرفی است که مظلوف صلح و امنیت جهانی را در خودش می‌گنجاند. به واقع، نگاه سعودی ایشان، رسیدن به امت واحد جهانی است. بنابراین، چشم‌انداز آرمانی امام خمینی، وحدت امت اسلامی و اتحاد جمیع مسلمین جهان بود. داشتن نگاه فرا وستفالیایی برای انقلاب اسلامی و حرکت فرا سرزمینی و فرا ملی انقلاب، منجر به ظرفیت‌سازی و بسترسازی برای صدور انقلاب شده است. این رویکرد باعث گردیده که تضاد و تنازع جای خودش را به ترادف و تراکب دهد. به عبارت دیگر، چشم‌انداز نهایی اندیشه امام(ره)، تحقق صلح جهانی بوده است. در پناه تشکیل امت واحده جهانی، پیروزی کامل نیروهای خیر بر شر و جهانگیرشدن حاکمیت اسلام، صلح و امنیت پایدار جهانی میسر می‌گردد. همچنین، برای رسیدن به این چشم‌انداز، باید با استفاده از دو عامل اصلی؛ "روحیه بسیج‌پذیری"<sup>۱</sup> و "خودآگاهی فعال"<sup>۲</sup>، غرب‌گرایی و غرب‌زدگی را به چالش طلبیده و گفتمان "بازگشت به خویشتن" را بارور نمود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۰: ۵۶). بنابراین، با تعمق در اندیشه‌های ایشان، شاهد سلسله‌مراتب تنازلی برای نیل به چشم‌انداز اسلامی می‌باشیم که می‌توان این‌گونه برشمرد:

- تمام چارچوب‌های پوسیده و بی‌محتوایی را که در طول این پنجاه سال، مردم را به غرب‌زدگی کشانده است، خراب می‌کنیم.

- حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به اقشار وطن می‌سازیم.

- از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غرب‌زدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است، پشت پا زنند و تقریباً از صفر شروع کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵: ۱۳۳).

1 . Mobilizable Moral

2 . Active Self- Consciousness

### چالش‌های تفکرات امام خمینی (ره) در قلمرو اندیشه و عمل

انعکاس اندیشه‌های اسلام، اگرچه پیش از انقلاب در ایران و در چند سده اخیر، در کشورهای مختلف شکل گرفته بود، اما طنین اندیشه‌های اسلامی امام (ره) طی این چند سال، در قله این سیر قرار دارد. با توجه به رویارویی بی‌نظیر امام (ره) در مواجهه با قدرت‌ها و به پیروزی نشانیدن یک انقلاب و راهبری موج بیداری اسلامی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای و مواجهه با مسائل آن، بررسی چالش‌ها و مشکلات در این روند از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله چالش‌های موجود در این زمینه عبارتند از:

**تحریف اسلام و وارونگی مفاهیم دینی:** با دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصلی و اصیل اسلامی و دگرگون‌شدن پیام اولیه عدالت‌خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی از بالندگی می‌افتد، دچار انحراف می‌گردد و به خمودی می‌گراید. به عبارت دیگر، دچار یک انقلاب از درون (انقلاب خزنده) می‌شود. چالش‌ها و معضلات گفتمان‌هایی چون عدالت، قسط و جهاد برای ساختارهای مسلط، در بهترین وجه، به آفت تحریف دچار می‌گردد و در بدترین صورت به بوته فراموشی سپرده می‌شود و به جای آن دال‌هایی چون تقدیر و جبر، سابق یا لاحق بودن قرآن جانشین می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۱: ۶۳-۶۲).

**حکام کشورهای اسلامی:** یکی دیگر از موانع و چالش‌های فرا روی نهضت بیداری، برخی نخبگان سیاسی و سران کشورهای اسلامی هستند. این نخبگان، همنشینی اندیشه‌های اسلامی و ارزشی در کنار سیاست و مسائل سیاسی را در راستای سیاست‌های انتفاعی خود نمی‌بینند. در واقع، به گفته امام خمینی (ره)، مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند. سیاست‌های نا کارآمد برخی نخبگان و ساختارهای سیاسی، اسلام و تفکرات اسلامی را به چالش کشانده است. امام (ره) حکومت‌های منحرف مسلط بر مقدرات کشورهای اسلامی را عامل قدرت‌های شیطانی دانسته که برای اغفال مردم از راه اسلام وارد می‌شوند.

**تفرقه:** به‌رغم برخی دیدگاه‌ها، امام وحدت را یک تاکتیک یا ابزار مصلحتی برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب نمی‌بیند. بلکه وحدت را یک اصل اسلامی تعریف کرده است و لازمه توفیق در مبارزه با دشمن اصلی و موفقیت در رهایی از خودباختگی را در گرو همبستگی دانسته است (امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۱: ۹۱). در واقع، امام خمینی (ره) معضل تفرقه را برای اسلام، یک نوع آسیب و صدمه می‌دانست. ایشان بر این باور بود که رویکرد واگرایی و اتخاذ سویه جانشینی به جای همنشینی و

هم‌افزایی، از چالش‌ها و مشکلاتی می‌باشد که مرزها و موانعی را در مسیر رسیدن به اهداف تعریف شده، به‌وجود می‌آورد.

**تحجر و جمود فکری مقدس‌نماها:** از دیگر چالش‌های مطرح در این امر که به‌عنوان موانع شناخت و بیداری اسلامی می‌باشند، قشر مقدس نمایان هستند. این شأن اجتماعی، در مسیر تجهیزشناختی واقعی سنگ‌اندازی می‌نماید. برای گسترش اسلام، شناخت این نیرو و تمیز آن از نیروهای اسلامی واقعی، ضروری می‌باشد. این گروه با تظاهر به تعبد و زهد، می‌تواند بزرگ‌ترین چالش و مانع را برای اندیشه‌های اسلامی و دینی به بار آورد. چهره‌هایی آراسته و متظاهر به دیانت و زهد، ضربه‌ای بزرگ بر پیکر واحدهای سیاسی اسلامی وارد می‌آورند. ایشان مؤکداً معتقد بود بزرگ‌ترین ضربه‌ها را اسلام در طول تاریخ حیات خود، از این مقدس‌نماها خورده است (امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۱: ۷۸).

**روشنفکر نمایان:** همان‌گونه که تحجر و جمود یکی از چالش‌ها و موانع بیداری است، دل‌بستگی به شرق و غرب و خودباختگی در برابر آنان، ملت‌ها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد. امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند زیرا که امروز روز حرکت ملت‌ها است. امام (ره) می‌گوید که معیارهای روشنفکری را روشنفکران، پیروی از داده‌های غربی ندانند. ایشان معرفی درست اسلام را وظیفه آنان دانسته و نقش روشنفکر را در استمرار یک حکومت عدل اساسی دانستند. از طرف دیگر، انتقادهایی به روشنفکران دارند؛ بی‌تفاوتی نسبت به اسلام، غرب‌گرایی، خودباختگی، بی‌اطلاعی از اسلام، بریدن از مردم از جمله مسائلی است که امام به قشر روشنفکر گوشزد می‌کند.

بنابراین، امام (ره) چالش‌های مذکور را از جمله عواملی می‌داند که بستر تهدیدات و تقلیل ظرفیت‌های فرصت‌ساز برای رشد و توسعه اندیشه‌های اسلامی است. ایشان بر این اعتقاد است که در صورت نبود سیستم‌های خودتوانبخش<sup>۱</sup> و خودآگاه، آسیب‌های جدی بر پیکر اندیشه‌های اسلامی وارد می‌شود. برای این امر، شاخص‌ها و استراتژی‌های اعلانی و اعمالی حداکثری را بر می‌شمرد که در راستای ظرفیت‌سازی و فرصت‌سازی برای تفکرات اسلامی به کار می‌آید. نخستین و مهم‌ترین راهکار، "نفی خود کاذب" می‌باشد که اولین گام برای شناخت خود واقعی است. از دید حضرت امام (ره)، فرهنگ غرب، شرق و ملی‌گرایی به جای فرهنگ واقعی و اصیل اسلامی- انسانی نشسته است و هویت کاذبی را به وجود آورده است. بنابراین، اولین گام در جهت هویتی اصیل، روی



آوردن به فرهنگ اسلامی-انسانی است. آشنایی با معارف و تبلیغ فرهنگ خودی و توانایی‌های بومی از جمله راهکارهای اعلانی و اِعمالی امام خمینی(ره) می‌باشد. به نظر ایشان، آگاهی به این که شرق خودش یک فرهنگ غنی دارد؛ طوری که فرهنگ او صادر می‌شده است و غربی‌ها از آن استفاده می‌کردند می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در این صورت، تکیه بر فرهنگ اسلام، مبارزه با غرب‌زدگی و ساختن انسان‌های مستقل باید مورد عنایت واقع شود. همچنین، تأکید امام بر محور بودن فرهنگ انسان‌گرا و عقل‌گرا به عنوان فرهنگ ایرانی-اسلامی، وجه دیگر تفکر امام(ره) محسوب می‌شود که در نتیجه آن امام را از غرب‌زدگی و غرب‌ستیزی دور کرده و به متفکری نقاد و گزینش‌گر در ارتباط با غرب و تمدن‌های دیگر تبدیل می‌کند (فوزی، ۱۳۷۹: ۸۰-۷۸). حضرت امام(ره) با شبکه‌ای و سیستمی کردن اندیشه‌ها و تفکرات اسلامی و بسترسازی برای ورود اندیشه‌های رهایی‌بخش و سلطه‌ستیز توانست انقلابی را رهبری نماید که بازتاب‌های آن را در جهان معاصر به‌ویژه خاورمیانه جدید شاهد هستیم. در واقع، رهیافت و رویکرد اسلامی و انقلابی امام خمینی(ره) باعث شده است که نگاه ساختاری و جبرگرایی مسلط بر جهان تغییر نماید و یک نگاه ارزشی و اسلامی و انسانیت محور جایگزین آن شود. بنابراین، استراتژی‌ها و راهکارهای اِعلانی و اِعمالی امام خمینی(ره) در عرصه جهانی، به عنوان نقطه‌عطفی درآمده است که نگاه تئوریسین‌ها و نظریه‌پردازان را نسبت به عرصه بین‌المللی تغییر داد. در واقع، فضای زیست جدیدی را به ارمغان آورده که نگاه تک‌بعدی گذشته را از بین برده و یک پلورالیسم فرهنگی و عقیدتی را به وجود آورده است که در آن اندیشه‌های اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین دال‌های مسلط جلوه‌گر شده است.

### نتیجه‌گیری

لازمه قدرتمند و مستقل بودن در عرصه بین‌المللی، نیل به ابزارهای قدرت و استفاده کاربردی از آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌باشد. استراتژی‌های اتخاذی و اِعمالی امام خمینی(ره) در راستای نیل به اهداف و آرمان‌ها، ضرورت استفاده از ابزارهای فرصت‌ساز و ظرفیت‌گستر برای اسلام و اندیشه‌های انقلابی را ایجاب می‌نمود. ابزارهایی که امام برای هویت‌سازی بدیل در عرصه بین‌المللی در نظر داشتند، هر دو قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را در بر می‌گرفت. به واقع، ایشان ضمن تعریف اهداف ملی و درونی که با گفتمان درون‌گرا سر و کار داشته است، اهداف فراسرزمینی را هم به عنوان مهم‌ترین اصول و آموزه‌های اسلامی در نظر می‌گرفتند.

دستیابی به این اهداف، نیازمند دو مقدمه ضروری و الزامی و ایجابی می‌باشد که در صورت کسب این دو عنصر، می‌توان به اهداف اسلامی و دینی دست یافت. به دیگر سخن، امام(ره) بر این باورند که ملل تحت ستم، با سازمان‌دهی و بسیج اسلامی و نیز نیل به تجهیز شناختی اسلامی، می‌توانند به اهداف مد نظر برسند. در صورتی که همچنان در ساختارهای از خودبیگانه و غیربومی باشند، قادر به رسیدن به اهداف نیستند. در راستای این امر، جنس و ماهیت روابط در عرصه بین‌المللی بین واگرایی و همگرایی، تنازع و تراکب، حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود، سیاست‌های مونیستی و پلورالیستی، رئالیستی و ایدئالیستی، شالوده‌گرایی و شالوده‌شکنی، سازه‌گرایی و ساختارگرایی، ماکروفیزیک قدرت و میکروفیزیک قدرت، رقابت سیاسی و تنفر سیاسی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، درون‌گرایی و برون‌گرایی، توقف فعال و عبور فعال، ارزش‌گرایی و قدرت‌گرایی و نیز جذب و محافظه‌کارسازی و دفع و رادیکال‌سازی در نوسان می‌باشد. اما امام خمینی(ره) با تلفیقی از این دیدگاه‌ها، رویکرد جدیدی را مطرح ساخت که ماهیتی ترکیبی و اشتقاقی داشته است. در واقع، رویکرد امام بر هم‌کنشی دولت‌ملت و نظام بین‌المللی تأکید دارد و بر انگاره‌هایی همچون؛ هم‌افزایی سیاست و دیانت، تلفیق ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی، عقلانیت سیاسی و اسلام انقلابی، پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی، استراتژی دفع و جذب، شیوه‌ای مترابکی و متنازعی، اهداف ملی و فراملی، قدرت معنوی و مادی و امتزاج حقیقت و واقعیت استوار است. مصادیق بارز این رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه امام(ره) را می‌توان به تلقی جهان‌شمول بودن اسلام و همزمان تأکید بر ضرورت دفاع از انقلاب و ایران به‌عنوان یک تکلیف، تأکید بر حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در کشورهای مختلف همگام با ضرورت داشتن رابطه با دولت‌ها اشاره کرد. بنابراین، شاخص‌های آرمان‌گرایی واقع‌بینانه امام(ره) را می‌توان به دو بخش بنیادی نظری با اصولی چون؛ پیوند سیاست داخلی و خارجی، تلفیق قدرت معنوی و مادی، عقل‌گرایی در عین اخلاق‌گرایی، همزیستی و استکبارستیزی و تلفیق ژئواستراتژی و ایدئولوژی در بنیادهای عملی به مصادیقی چون صلح‌گرایی نهادینه، همکاری متقابل، سیاست موازنه حقوقی، کاربرد مشروع زور و سیاست کنفدراسیونی وحدت جهان اسلام تقسیم نمود.

استراتژی اعلانی و اعمالی امام خمینی(ره)، ضمن تأکید بر خودآگاهی و بیداری و ادراک فعال اسلامی و بسیج‌پذیری و سازمان‌یابی مردم در مسیر اسلامی، به عنوان دو عنصر پیشینی، رسیدن به اهداف اسلامی و قدرتمندشدن در عرصه بین‌المللی را در سایه توجه متقابل و دو سویه واقعیت جهانی و اهداف آرمانی اسلامی می‌دانند و ضمن بازسازی هویت اسلامی، راه رسیدن به این اهداف را در سه اصل؛ نفی خود کاذب،

آشنایی با معارف و تبلیغ فرهنگ خودی و توانایی‌های بومی، محور بودن فرهنگ انسان‌گرا و عقل‌گرا به عنوان فرهنگ ایرانی و اسلامی معرفی می‌نمایند. مصداق بارز اندیشه‌های حضرت امام(ره) را در جنبش بیداری خاورمیانه معاصر شاهدیم. به گونه‌ای که تفکرات امام خمینی به عنوان چراغ راه جنبش‌های معاصر در آمده است. جنبش‌های بیداری در خاورمیانه جدید، با الگوگیری از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، به این باور رسیده‌اند که رهیافت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران به صورت یک نیروی پیش برنده، می‌تواند در راستای ارزش‌ها و آرمان‌های بومی ملل تحت ستم قرار بگیرد. در واقع، شاهد دو عنصر ذهنی و عینی در جنبش‌های اسلامی اخیر خاورمیانه هستیم. این جنبش‌ها در رهیافت ذهنی‌شان، با به‌کارگیری اندیشه‌ها و تفکرات حضرت امام(ره)، مسیر آینده و سرنوشت سیاسی کشورشان را تعریف نمودند. به عبارت دیگر، رهیافت امام(ره) به صورت یک امر معنادار فرهنگی برای جنبش‌های اسلامی معاصر در آمده است. در مقابل، در بُعد عینی و در عرصه عمل، انقلاب اسلامی ایران به عنوان مصداق و نمونه بارز این جنبش‌ها، توانسته است به صورت سرمشق برای ملل خاورمیانه معاصر در آید. بازتاب این دو عنصر ذهنی و عینی را به وضوح می‌توان در جنبش بیداری اسلامی کشورهای خاورمیانه مشاهده کرد. به صورتی که این امر نوید خاورمیانه‌ای با ارزش‌های اسلامی و انقلابی می‌دهد که می‌تواند در مقابل کشورهای سلطه‌گر و ساختارهای سلطه به پا خیزد. کشورهای خاورمیانه با استفاده از اشتراکات فرهنگی، ارزشی، عقیدتی و هویتی می‌توانند در آینده نزدیک به عنوان یک قطب قدرت اسلامی در مقابل غرب قرار گیرند.

## منابع

۱. ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۹)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۲. بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، "اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸/۴/۱
۳. بهمنی، شعیب (۱۳۸۸)، انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی، چاپ اول تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، "امام، قدرت و گفتمان"، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۵. تاجیک، محمدرضا و درویشی، فرهاد (۱۳۸۳)، "آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی‌شدن؛ چالش‌ها و واکنش‌ها"، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.

۶. خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۲۱.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۴-۱۱-۱۸-۱۹.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، جلد ۵-۱۰-۱۴-۱۲.
۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، "چرخه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر سمت.
۱۱. فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، "امام خمینی و هویت ملی در ایران"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۱۲. فوکو، میشل (۱۳۸۹)، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
۱۳. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ یازدهم تهران: نشر سمت.
۱۴. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۶)، "آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.
۱۵. ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. مسجدجامعی، احمد (۱۳۷۸)، "بازگشت به فطرت"، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۲ و ۱۳.
۱۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: سمت.
۱۸. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹)، "ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، شماره ۲.

19. Esposito, John (1989), *The Iranian Revolution; its Global Impact*, Washington: Middle East Institute.
20. Hunter, Shireen (1992), *Iran after Khomeini*, Washington: Center for Strategic and International Studies, New York: Praeger.
21. Tilly, Charles (1979), *From Mobilization to Revolution*, New York: MC Graw- Hill.
22. Fukuyama, F. (1992), "The End of History and the Last Man", Free Press, New York.
23. R.K. Ramazani (1987), "Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East", Richard F. Staar", *Year Book on International Communist Affairs*.